



## سخن سردبیر: قلمرو فرهنگ ایرانی و جهان معاصر

فرهنگ ایرانی، فراتر از مرزهای سیاسی کنونی ایران، پهنه‌ای گسترده و چندلایه را دربرمی‌گیرد که از اعماق تاریخ تا جهان معاصر را درنوردیده است. این فرهنگ گران‌قدر، میراث‌دار تمدنی کهن و درعین‌حال پویاست که در طول هزاره‌ها، در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها شکل گرفته و بالیده است. درک قلمرو فرهنگی ایران نیازمند نگاهی همه‌جانبه به ابعاد تاریخی، جغرافیایی، زبانی، دینی، هنری و اجتماعی آن است. فرهنگ ایرانی در مواجهه با تحولات بزرگ و حملات خانمان براندازی از قبیل حمله اسکندر، اعراب، مغولان و هجوم‌های گاه و بیگاه و غیر مستقیم غربیان، نه تنها بقا یافته، بلکه این رویدادها را درون خود هضم و تلفیق کرده است. این ظرفیت انطباق و بازآفرینی، از شاخص‌های بارز فرهنگ ایرانی است.

زبان فارسی و هنرهای ایرانی نقشی فوق‌العاده در شکل‌گیری و حفاظت از هویت فرهنگی این سرزمین اهورایی و ساکنان خردمند و والاتبارش ایفا کرده است. به گونه‌ای که زبان فارسی برای قرن‌ها زبان بین‌المللی علم، ادب و دیپلماسی در بخش وسیعی از آسیا بوده است. این زبان در طی هزاران سال ساختار دستوری و واژگانی خود را حفظ کرده و به عنوان زبان مشترک میان اقوام مختلف در قلمرو فرهنگی ایران پیوسته مورد احترام بوده است. آثار ادبی ایرانیان، به‌ویژه شاهنامه فردوسی در نظر فارسی‌زبانان تنها یک اثر ادبی نیست، بلکه «هویت‌نامه»ی همه اقوام و قبایل ایرانی است و در طول قرن‌ها، با حفظ اساطیر و تاریخ باستانی ایران و تلفیق آن با پیام‌های جهانی اسلام، و با زنده نگاه داشتن زبان فارسی و آداب و رسوم ایرانی، و ارائه نظامی ارزشی مبتنی بر پهلوانی، عدالت و میهن‌دوستی، به ایجاد پیوستگی بین ایران پیش و پس از اسلام توفیق یافته است، توفیقی ارجمند که در طول تاریخ حیات فکری و هنری بشر، کمتر نصیب اثری هنری و ادبی شده است.

در گستره فرهنگ ایرانی، تنوع و تعامل دینی نقشی برجسته و ستایش‌برانگیز دارد. چنان‌که مذهب تشیع به‌عنوان مذهب اکثریت، با مذهب اهل سنت که بیشتر در مناطق پیرامونی ایران رواج دارد، در تعامل دائمی بوده، هست و خواهد بود. در این سرزمین قدسی اقلیت‌های دینی، به‌خصوص پیروان آیین‌های زرتشتی، مسیحی و یهودی، همیشه مورد احترام بوده‌اند و نقش‌های برجسته‌ای در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، علمی و سیاسی به عهده داشته‌اند. همزیستی پیروان ادیان گوناگون در ایران الگویی عملی برای نسبی‌گرایی دینی و مخالفت با بنیادگرایی به جهانیان ارائه داده است. الگویی که از نیازهای بنیادین انسان خردمند در روزگار معاصر است و می‌تواند دست دنیاخواران جنایتکار را که با بهانه‌های قومی و دینی، خون ملت‌ها را به شیشه کرده‌اند و با جنگ‌افروزی‌های مداوم خود، میلیون‌ها انسان را به کام مرگ فرستاده‌اند، یا از امکانات اولیه زندگی محروم کرده‌اند، از سر جهان و جهانیان کوتاه نماید.

فرهنگ ایرانی با اتکا به ارزش‌های بنیادین خود که ریشه در زیستن ایرانیان خردمند و رفتارهای سخسته و سنجیده آنان دارد، با محور قرار دادن شعار بنیادین و طلایی زندگی، یعنی «اندیشه نیک، گفتار نیک و رفتار نیک» که در واقع جوهره همه ادیان الهی نیز هست، به بشریت نوعی عقلانیت عملی (تعبیر ایرانی از پراگماتیسم) و توانایی انطباق در شرایط سخت را اهدا کرده و نشان داده است که مزایای تعادل و میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط چیست و چگونه با حفظ عزت ملی و کرامت انسانی می‌توان همراه و توأم با تحوّل و نوپذیری، اعتقادات، سنت‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ ریشه‌دار خود را حفظ کرد و با ارائه آن به جهانیان، زمینه زیستن بهتر، انسانی‌تر و اخلاقی‌تر را برای همه مردم جهان فراهم نمود.

فرهنگ ایرانی، همچون فرشی نفیس، از تاروپودی پیچیده و رنگارنگ بافته شده است که طرح‌های آن ریشه در اعماق تاریخ دارد، اما همواره در حال بازبافی و نو شدن است. این فرهنگ، با حفظ هسته مرکزی خود، انعطاف قابل توجهی در مواجهه با تحولات جهانی نشان داده است. درک این فرهنگ درخشان نیازمند عبور از سطحی‌نگری و رهایی از نفوذ دشمنان و بیگانگان و بازساخت هویت ایرانی است. در این فرهنگ می‌توان سنت‌گرایی را همراه با نوآوری، عرفان را همراه با عقلانیت، و افتخار به گذشته را همراه با کسب افتخارات در حال و نگاه به آینده با هم داشت..

فرهنگ ایرانی امروز در عین حفظ پیوند با گذشته، درگیر چالش‌های دنیای معاصر است و پاسخ‌های منحصر به فردی به مسایل جهانی ارائه می‌دهد. شناخت این قلمرو فرهنگی نه تنها برای درک ایران و منطقه ضروری است، بلکه می‌تواند الهام‌بخش رویکردهایی برای تعامل سازنده بین تمدن‌ها در جهان پرتنش امروز باشد. در جهانی که با چالش‌های هویتی، محیط زیستی، و گسست‌های فرهنگی روبروست، فرهنگ ایرانی با پشتوانه چند هزارساله و تجربه منحصر به فرد خود، حاوی ظرفیت‌هایی ارزشمند برای روزگار معاصر است. این ظرفیت‌ها ریشه در مفاهیم بنیادین، تجربیات تاریخی و نظام‌های فکری‌ای دارد که می‌تواند علاوه بر سطح ملی، در سطح جهانی به کار آیند.

امروزه فرهنگ ایرانی با ظرفیت‌های بی‌پایان خود، نیاز به بازخوانی انتقادی، بازسازی و ترجمه به زبان جهانی دارد. بایسته است که اندیشمندان و خردورزان ایرانی، فرهنگ والای خود را از حالت موزه‌ای خارج کنند و در تعامل با دیگر فرهنگ‌ها، پاسخ‌های نو به مسایل نوظهور بشری بدهند. ظرفیت‌های فرهنگ ایرانی زمانی برای ایرانیان و جهانیان مفید و مؤثر خواهد بود که از افتخار صرف به گذشته به مسئولیت برای آینده تبدیل شود؛ در عمل و نه فقط در گفتار تجلی یابد؛ و در گفت‌وگو با دیگر سنت‌های فکری جهانی بازتعریف شود.

خلاصه کلام آن که فرهنگ ایرانی با ابعاد گوناگون و جلوه‌های دقیق و عمیق خود گواهی زنده بر نبوغ و پایداراندیشی نیاکان ماست و جهان معاصر، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند شنیدن صدای این فرهنگ چندلایه و کهن تجربه است. مجله مطالعات ایرانی برای ترویج و نشان دادن جنبه‌های گوناگون این فرهنگ عزیز و گران‌قدر، دست نیاز به سوی همه ایرانیان و هم‌میهنان خردمند دراز می‌کند. بی‌تردید شناخت بیشتر و حفاظت از این میراث بی‌همتا جز با همدلی و همگامی شما عزیزان امکان‌پذیر نخواهد بود.

محمد رضا صرفی

دانشگاه شهید باهنر کرمان